

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: جهانگیر

۰۷ می ۲۰۱۱



کشور شورها در طول هفتاد سال حیات خود، در زمینه حل مشکلات و ناهنجاریهای اجتماعی مثل از میان برداشتن بیکاری، بی مسکنی، بیسوادی و تأمین شرایط استفاده از امکانات تحصیل، طب، بهداشت و استراحت رایگان برای همه و همچنین در عرصه علوم و تکنولوژی مثل فرستادن اولین ماهواره به مدار کره زمین، تسخیر فضای کیهانی و فرستادن اولین انسان به فضا و بسیاری دیگر، به دستاوردهای اعجاز انگیزی نائل شد که در تاریخ بشر، در هیچ کشور دیگر جهان و در هیچ نظام اجتماعی- اقتصادی سابقه نداشت و هنوز هم ندارد.

## مُهر باطل شد

ترجمه و توضیح: ا.م. شیری

یکی از مهمترین خبرهای ماه گذشته، برگزاری مراسم جشن هشتادمین سالروز تولد میخائیل گوربچوف در لندن بود. ابتداء اصل خبر و سپس ملاحظات مترجم.

متن کامل خبر منتشره در «<http://MIGnews.com.ua> ۳۰.۰۳.۲۰۱۱» چنین است:

«برای شرکت در مراسم هشتادمین سال تولد گوربچوف در لندن، شخصیت های مهم از همه جهان دعوت شدند. به گزارش آژانس «لیگا بیزنس اینفورم» به مناسبت هشتادمین سال تولد میخائیل گوربچوف آخرین رئیس جمهور اتحاد شوروی روز سی ام مارچ در تالار سلطنتی هنر و علم لندن کنسرت خیریه تشکیل شد. مبالغ حاصل از فروش تکت های آن، در بنیاد خیریه مک میلان و بنیاد بین المللی "رئیس گارباچووا" برای معالجه بیماران مبتلا به سرطان صرف خواهد شد.

هنرمندان مشهور، شارون استون و کوین اسپیسی، مجریان این مراسم بودند. همچنین والر گرگنیف و ارکستر سمفونیک لندن، دیمتری خوروستوفسکی، لارا فابیان، ایگور کوروتوی، گروه اسکورپیونها و دیگران (مجموعاً ۱۵ ستاره جهان و روسیه) در صحنه هنرنمایی کردند.

حضور شخصیت‌هایی از جمله، میلا یوویچ هنرپیشه، فابیو کاپلو مربی تیم منتخب انگلیس، آرنولد شوراتسنگر هنرپیشه و سیاستمدار و جون میجر نخست وزیر سابق بریتانیای کبیر در میان مهمانان، بسیار جالب توجه بود. لئونید شلاهور تهیه کننده کنسرت، در سخنان خود گفت:

«این کنسرت با شکوه به افتخار میخائیل گوربچوف، انسانی که با اقدام و عمل خود جهان را واقعا در سمت بهتر تغییر داد، برگزار می شود. به برکت شهامت و رهبری او بر کشور، «جنگ سرد» پایان یافت، و شرق و غرب متحد شدند. لیست شرکت کننده در صحنه و همچنین لیست شخصیت‌های مهم از دنیای سیاسی و شو بیزنس، که در مراسم حضور خواهند داشت، نشاندهنده احترام جهانی به میخائیل گوربچوف می باشد»

علاوه بر این، در تالار آلبرت مراسم اهدای جایزه «انسان، تغییر دهنده جهان» که مطبوعات غرب به طور غیررسمی آن را «جایزه گوربچوف» نام داده اند، برگزار گردید. این جایزه به اساس سه اصل منطبق با «سه معیار» رفرم گوربچوف «نوسازی» (به خاطر کمک به رشد تمدن)، «علنیت» (به خاطر مساعدت به فرهنگ جهان باز) و «تسریع» (برای کمک به رشد علم و تکنولوژی معاصر) همه ساله به سه نفر اهداء خواهد شد. به گزارش «[MIGnews.com.ua](http://MIGnews.com.ua)» میخائیل گوربچوف، سیاستمدار افسانه‌ئی در مراسم هشتادمین سال تولد خود ترانه «شب تاریک» را هم‌اوا با تکخوان گروه «ماشین زمان» اجرا کرد.

میخائیل گوربچوف، آخرین دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و تنها رئیس جمهور اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی هشتادمین سال تولد خود را روز دوم ماه مارچ، برگزار کرده بود»

پایان خبر

### ملاحظات مترجم

طبیعتاً، هر کسی در چهارچوب بینش طبقاتی و درک سیاسی خود، در مورد خبر فوق اظهار نظر خواهد کرد و به قضاوت خواهد نشست.

به باور مترجم خبر، برگزاری مراسم جشن تولد گوربچوف، چه در روسیه تحت حاکمیت مافیای الیگارشی- جنائی و چه در کشور امپریالیستی بریتانیای سلطنتی، در واقعیت امر، به معنی کوبیدن مهر «باطل شد» بسیار پُررنگ دیگرست بر همه خزعبلات و تئوری بافی های پروفیسور مآبانة گونه های مختلف ازدگان و نادمین «چپ» که، به ویژه طی دو دهه اخیر تمامی مساعی خود را بر آن معطوف داشته اند تا نقش ارتجاع امپریالیستی و خیانت **باند یهودائی گوربچوف- یلتسین -یاکولویوف** در تخریب نظام سوسیالیستی، تجزیه و مستعمره سازی اجزاء اتحاد شوروی، کشور های بلوک شرق و ممالک دیگر را انکار نمایند.

این دسته، تمام ادعاهای رسوای نظریه پردازان و مبلغان سرمایه داری را از زباله دانی های متروکه بیرون کشیده، به ام «مدرن»، «نو»، «دمکرات» و غیره، این دست آن دست می کنند تا دفاع شرمگینانه خود از نظام پوسیده سرمایه داری را در پشت چنین الفاظی پنهان سازند. البته روشن است که ذکر حتی بخشی از ادعاهای آنها، نه وظیفه این نوشتار است و نه لزومی دارد. به خصوص اینکه مراسم بزرگداشت هشتاد سالگی گوربچوف از سوی رژیم امپریالیستی- سلطنتی انگلیس، به خودی خود محکمترین سند بی اعتباری همه ادعاهای این دستجات است. به رغم این، در اینجا یادآوری فقط فشرده و عصاره همه این تئوریهای ضدعلمی و بی پایه مبنی بر اینکه گویا «سوسیالیسم قرن بیستم در طول هفتاد سال حیات خود نتوانست کاری از پیش ببرد و خودبه خود فروپاشید»، کفایت می کند. در پاسخ به اینگونه ادعاهای بی پایه، لازم به گفتن است که:

اولا- عمر هفتاد ساله در تاریخ یک نظام اجتماعی- اقتصادی مدت زمان قابل توجهی نیست. ثانيا- همه هفتاد سال عمر «سوسیالیسم قرن بیستم» به سازندگی نگذشت. بلکه، در خوشبینانه ترین حالت، دوره سازندگی آن حتی کمتر از سه دهه بود. بقیه مدت در جنگ و بازسازی ویرانی های ناشی از آن جنگها گذشت. پس از پیروزی انقلاب کبیر اکتبر در سال ۱۹۱۷ تا ۱۹۲۵ درگیر جنگ ویرانگر داخلی با حمایت و پشتیبانی همه جانبه ارتش اشغالگر ۱۴ کشور حاضر در خاک اتحاد شوروی بود. از سال ۱۹۴۱ درگیر جنگ کبیر میهنی در مقابل تجاوز فاشیسم سرمایه داری بود. این جنگ عادلانه نیز با پیروزی کشور شوراها خاتمه یافت. در مدت زمان کوتاهی که زخمهای کاری جنگ التیام بخشیده شد، از سال ۱۹۵۳ دوره بحران رهبری (دوره خروشچوف تا گوربچوف)، دوره جدال و کشمکش بین سه دسته بندی با غلبه اپورتونیستها و خائنین بر حزب کمونیست و دولت شوروی (خائنین و اپورتونیستها - میانه روهای بی خاصیت - کمونیستها) آغاز گردید. بدین ترتیب، تمام دوره سازندگی سوسیالیستی را فقط فاصله سالهای ۱۹۲۵ تا ۱۹۳۹ و ۱۹۴۵ تا ۱۹۵۳ شامل می شود. ثالثا- و بالاخره، سوسیالیسم قرار است در آینده کدام مشکلات و معضلات اجتماعی را حل نماید که «سوسیالیسم قرن بیستم» (به زعم چپهای نو) ار عهده حل آنها بر نیامد؟

پاسخ صریح و سراسر است به همین سؤال آخری می تواند ماهیت همه برداشتها از سوسیالیسم علمی و برخوردها به گذشته و آینده آن را روشن سازد.

قبل از هر توضیحی، اشاره به یک نکته لازم است که افزودن هر گونه پسوند به سوسیالیسم، اعم از «سوسیالیسم قرن بیستم»، «سوسیالیسم قرن بیست و یکم»، «سوسیالیسم دمکراتیک»، «سوسیالیسم نو، مدرن» و یا هر کلمه دیگر، در واقعیت خود نوع آشکار سفسطه گری و در عین توهم پراکنی پیرامون سوسیالیسم و دفاع از سرمایه داریست. سوسیالیسم علمی، به انواع قرن بیستمی و قرن بیست و یکمی تقسیم نمی شود. سوسیالیسم علمی (عدالت اجتماعی)، خواست دیرین بشری و مرحله آتی تکامل اجتماعی- تاریخی است که در اصول جهانشمول و قوانین عام خود، والاترین ارزشهای انسانی، یعنی آزادیهای فردی و اجتماعی، استقلال ملی و دولتی، حق تعیین سرنوشت برای خلقهای تحت ستم، صلح و امنیت پایدار، تجدد و نوگرایی، ترقی و تکامل، انساندوستی و برخورداری هر کس از حق کار، مسکن و زندگی شایسته، برابرحقوقی انسانها در تمام زمینه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی صرفنظر از جنسیت، نژاد، ملیت و باورهای دینی- مذهبی آنها را مورد تأکید قرار داده است. بنابراین، سوسیالیسم علمی از هرگونه پسوند، اگر نیات ناپاکی در پشت این پسوندها نهفته نباشد، بی نیاز است. افزودن هر گونه پسوندها به سوسیالیسم علمی همانقدر غیرعقلانی است که مثلاً، کسی بگوید مسیحیت و یا اسلام خداپرستانه، نبوی و یا هر نوع دیگر اما پاسخ سؤال فوق در فهم این واقعیت نهفته است که وظیفه اصلی و اساسی انقلاب سوسیالیستی و

حاکمیت کارگران و زحمتکشان بر آمده از آن همچنانکه در گذشته بود، در آینده نیز عبارت است از: لغو مالکیت خصوصی بر ابزار و بنگاههای تولیدی در وهله اول بزرگ و زمین، تغییر روابط و مناسبات تولیدی استثمارگرانه و پایان دادن به بهره کشی انسان از انسان، لغو امتیازات طبقاتی و تأمین شرایط استفاده برابر از امکانات موجود برای همه و همچنین، تأمین شرایط مشارکت عامه مردم در قدرت سیاسی و توسعه و ترقی کشور در این امر که، آیا سوسیالیسم واقعاً موجود گذشته، که امروز واقعاً وجود ندارد، در اجرای اصول بنیادی سوسیالیسم علمی و در پاسخگویی به مشکلات و معضلات عظیم اجتماعی موفق بود یا نه، یادآوری مجدد مواردی چند ضرورت دارد.

هیچ کس، حتا دشمنان طبقاتی کارگران و زحمتکشان، نمی توانند منکر این واقعیتها باشند که حاکمیت کارگران و زحمتکشان بر آمده از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، از همان ابتدای پیروزی، علی رغم مقاومت هولناک ضد انقلاب داخلی و خارجی، توانست با اجرای بسیار موفقیت آمیز اصول اساسی سوسیالیسم علمی، شرایط مساعد مشارکت همگانی در حاکمیت سیاسی از طریق شوراهای منتخب کارگران و دهقانان را تأمین نموده و با غلبه سریع بر مشکلات و معضلات اجتماعی از قبیل بیکاری، بی مسکنی، بیسوادی و بسیاری دیگر، کشور را به سرعت در سمت تکامل و ترقی و توسعه علمی- صنعتی- اجتماعی هدایت نماید.

امروز دیگر کمترین جای تردید باقی نمانده است که همه تلاشهای ایدئولوگهای سرمایه داری و تکرار کور- کورانه نظرات آنها از سوی چپهای نادم دایر بر «ناکارآمدی سوسیالیسم» و «ناتوانی سوسیالیسم قرن بیستم در تأمین شرایط توسعه و تکامل اجتماعی» اصولاً، اقداماتی هستند در جهت انکار هدفمندانۀ نقش مخرب ارتجاع امپریالیستی و باندهای خائن داخلی به رهبری گوربچوف در تخریب و تجزیه کشورهای سوسیالیستی که به ویژه در شرایط تعمیق بحران ساختاری سرمایه داری، اهداف عدالت ستیزانه (ضد سوسیالیستی) را دنبال می کند.

برای درک روشنتر واقعیتهای سوسیالیسم واقعا موجود در قرن گذشته، در اینجا تصویر مختصر و فشرده ای از جوامع سوسیالیستی، به ویژه اتحاد شوروی را ارائه داده و به چپهای «دمکرات، نو و مدرن» پیشنهاد می کنم آن را با اوضاع اسف انگیز امروزی این «کشورهای مستقل» پس از بازسازی سرمایه داری به برکت «اقدام و عمل»، «شهامت و رهبری» گوربچوف که همچون جوامع سرمایه داری به ویژه، کشورهای عقب مانده، که در آنها نه از علم و صنعت و تکنولوژی اثری مانده و نه از کار و کارخانه و کارگر خبری، و بیکاری، بی مسکنی، فقر و گرسنگی عمومی به مشخصه اصلی آنها تبدیل شده است، مقایسه نمایند و پس از آن برنامه و تاکتیکهای مبارزاتی خود را نه برای ساختن جامعه عالی تر از آن، حداقل برای از میان برداشتن مشکلات اجتماعی مانند بیکاری، کارتن خوابی، اعتیاد، تن فروشی و رفع ستم ملی علیه خلقهای غیرحاکم (توسعه و ترقی و فرستادن ماهواره به مدار کره زمین و انسان به فضای کیهانی پیشکش) بروز نمایند تا معلوم شود چه هدفی را از این همه تبلیغات ضدسوسیالیستی دنبال می کنند و در زیر پرچم کدام طبقه اجتماعی سینه می زنند.

و اما آن تصویر فشرده حاکمیت شورائی بر آمده از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، پس از پیروزی در جنگ داخلی و بیرون راندن ارتشهای اشغالگر، از سال ۱۹۲۵ تا سال ۱۹۲۹ توانست کشور را به سطح امپراتوری روسیه سال ۱۹۱۳، سال قبل از جنگ جهانی اول برساند. در فاصله سال ۱۹۲۹ تا آغاز جنگ جهانی دوم، دولت سوسیالیستی موفق شد در ویرانه های امپراتوری نیمه سرمایه داری- نیمه فئودالی روسیه، یک کشور پیشرفته صنعتی و یکی از دو قدرت سیاسی-اقتصادی جهان را بسازد. به طور کلی، کشور شوراهای در طول هفتاد سال حیات خود، در زمینه حل مشکلات و ناهنجاریهای اجتماعی مثل از میان برداشتن بیکاری، بی مسکنی، بیسوادی و تأمین شرایط استفاده از امکانات تحصیل، طب، بهداشت و استراحت رایگان برای همه و همچنین در عرصه علوم

و تکنولوژی مثل فرستادن اولین ماهواره به مدار کره زمین، تسخیر فضای کیهانی و فرستادن اولین انسان به فضاء و بسیاری دیگر، به دستاوردهای اعجاز‌انگیزی نائل شد که در تاریخ بشر، در هیچ کشور دیگر جهان و در هیچ نظام اجتماعی- اقتصادی سابقه نداشت و هنوز هم ندارد.

اولین معجزه انقلاب اکتبر تشکیل اولین حاکمیت کارگران و زحمتکشان برای اولین بار در تاریخ بشر، تشکیل کشور اتحاد شوروی در امپراتوری کثیر الملت روسیه بود. حاکمیت شوروی برای اولین بار در تاریخ موفق شد: - بنیان بیکاری، بزرگترین و جان سخت ترین مشکل اجتماعی را بر اندازد. بعد از بسته شدن اداره کاربایی در سال ۱۹۲۹، اتحاد شوروی یگانه کشور در تاریخ جهان بود که در آن، بیکاری تخلف از قانون محسوب می شد. در صورت وجود یک نفر بیکار، قیل از هرکسی، دولت و ارگانهای ذی ربط، اولین متخلفان محسوب می شدند. هیچ کارخانه و کارگاهی، مؤسسه و یا اداره ای به هیچ وجه حق اخراج هیچ کارگر و یا کارمندی را نداشت. تغییر شغل و یا محل کار، فقط به خواست شخصی و ارائه موافقتنامه کتبی از محل کار جدید امکان پذیر بود؛

- بیسوادی را به طور کامل از میان بردارد؛

- مشکل مسکن، مزمن ترین مشکل جوامع بشری را به طور بنیادی حل کند؛

- آموزش، تحصیل و تربیت از مهد کودک و ابتدائی تا آخرین مدارج را رایگان سازد؛

- سیستم گسترده آکادمی های علوم و شهر- فرهنگستانها را دایر کرد و مراکز علمی و تحصیلات عالی را در جمهوریهای عقب مانده به سرعت تأسیس و توسعه بخشید؛ احداث آکادمی شهر سیبری و تأسیس اولین دانشگاه دولتی آذربایجان، دو نمونه از آنهاست؛

- سیستم بیمه، بهداشت، درمان، تأمینات اجتماعی و امکانات پزشکی رایگان برای همه را بر قرار نماید؛

- شبکه بسیار گسترده خدمات و کمکهای اولی پزشکی را در سراسر کشور راه اندازی کند؛

- ریشه معضل لاینحل گدائی، گدا پروری و شیوه زندگی انگلی ناشی از روابط و مناسبات ناعادلانه اجتماعی را

بخشکاند و ضرورت وجود بنیادها، انجمنها و مؤسسات خیریه را به کلی از میان بردارد؛

- ریشه مفسد اجتماعی از قبیل، اعتیاد به مواد مخدر، فحشاء و تن فروشی را بخشکاند؛

- اولین ماهواره را در مدار زمین قرار دهد؛

- فضای کیهانی را تسخیر و اولین انسان را به فضاء بفرستد؛

- اولین زن فضانورد، و النتینا تروشکوا را به فضاء بفرستد؛

- اولین چاه نفت را در دریای آزاد، در دریای خزر حفر کند؛

- مسأله ملی، حقوق و آزادی ملتها، حق آزاده تعیین سرنوشت ملتها تا جدائی کامل برای گروههای ملی را به طور

تمام و کامل در قانون اساسی تثبیت نماید؛

- بازار ملی را تشکیل دهد و نظام تعیین و تثبیت نرخ کالاها به وسیله تولید کننده و یا کمیته قیمت گذاری را نهادینه

و با قطع دخالت سوداگران و دلالان در امور بازار، از بی ثباتی و افزایش دائمی قیمتها جلوگیری نماید؛

- شبکه گسترده استراحتگاهها، نقاهتگاهها و تفرجگاهها را برای استراحت، معالجه و تفریح کارگران راه اندازی

کند؛

- مسافرتهاى هوائی را برای عموم مردم، قابل دسترس ساخته و خدمات عمومی از قبیل حمل و نقل شهری، استفاده

از آب و فاضلاب، برق و گاز بسیار ارزان را اجراء نماید؛

- با ساخت و ساز مقاوم و سازماندهی توپخانه قدرتمند ابر پراکنی، بر بسیاری از پیامدهای ناگوار حوادث ناهنجار و غیرمنتظره طبیعی، مثل زلزله، بارندگی های سیل آسا، طغیان رودخانه ها، رانش زمین، بارشهای غیرموسمی زیانبار و غیره غلبه نموده و از بروز فجایع انسانی در پی این قبیل حوادث، جلوگیری کند؛

- با بهره گیری از تکنولوژی فوق العاده پیشرفته در کشاورزی و دامداری، به ویژه کشت و آبیاری و برداشت، شرایط توسعه مناطق روستائی را فراهم آورد؛

- در زمینه ساخت و تولید هواپیما و هلی کوپتر، به پیشتاز جهان تبدیل شود؛

- و صدها مورد دیگر که در تاریخ بشر بی سابقه بود.

این همه، در سایه اجرای اصول سوسیالیسم علمی به دست آمد و مردم اتحاد شوروی در امنیت و آسایش کامل، در شرایط فارغ از دغدغه و نگرانی از فردای خود و فرزندانشان، در جامعه آرام و دور از جوّ عصبی، کار و فعالیت می کردند. مردم شوروی در سایه دولت سوسیالیستی خود همچنان که در زمینه های مختلف علمی و صنعتی دستاوردهای خارق العاده ای به بشریت عرضه داشتند، در عرصه های هنر و ادبیات، شعر و موسیقی، تئاتر و سینما نیز ماندگارترینها و جاودانه ها را خلق کردند.

همه خلقهای شوروی در سیر و سلوک، در صلح و امنیت و رفاه، برادروار در کنار هم زندگی می کردند؛ دوستی، برادری، همکاری و تبادل تجربه مشخصه اصلی آنها بود. در کل جامعه اتحاد شوروی، پدیده ای به نام بدهکار و بستانکار، مقروض و طلبکار، هیچگاه موضوعیت نداشت. در سیستم سوسیالیستی شوروی، هیچ کس در بدترین حالت بی کس و بی پناه نبود. دولت سوسیالیستی پناه و تکیه گاه همه بود. کودکان از وسیع ترین امکانات بهره می بردند. در تمام مملکت هیچ کودکی کار نمی کرد؛ هیچ خانواده ای به کار کودک یا کودکانش احتیاج نداشت و نیازی هم به تصویب قوانین پرطمطراق منع کار کودکان نبود. هیچ گونه تبعیض و تمایزی بین زن و مرد نبود. ۷۰ درصد زنان دارای تحصیلات عالی بودند. حرمت انسانی به مقام و موقعیت شغلی او بستگی نداشت. همه معلولان، بیماران روحی و روانی فاقد توانائی کار، از حمایت همه جانبه دولت برخوردار بودند.

محلات و مناطق شهرها، به شمال و جنوب، فقیرنشین و اعیان نشین تقسیم نمی شدند... و بسیاری ارزشها و ارزشمندهای دیگر گذشته از اینها، آیا فقط همین برگزاری مراسم با شکوه و پر هزینه هشتامین سال تولد گوربچوف با شرکت «شخصیتهای مهم جهان» در لندن و قدردانی از «اقدام و عمل»، «شهامت و رهبری او»، به معنی مُهر ابطال همه ادعاهای چپهای «نو»، «مدرن» و «دمکرات» در مورد «ناکارآمدی سوسیالیسم» و «ناتوانی سوسیالیسم قرن بیستم در پاسخگوئی به مشکلات و معضلات اجتماعی» و همچنین، به معنی افشای نیات ناپاک آنها در انکار آگاهانه نقش ارتجاع امپریالیستی و باندهای خائن و سرسپرده داخلی به رهبری گوربچوف در تخریب جوامع سوسیالیستی نیست؟ و آیا این همه، نشانه خصومت طبقاتی این گونه «چپها» با عدالت اجتماعی و تحریف مفاهیم توسعه و ترقی، پویائی و تکامل اجتماعی نیست؟

۴ اردیبهشت ۱۳۹۰

پایان بخش اول

<http://eb۱۳۸۴.wordpress.com/۲۰۱۱/۰۴/۲۴/%d۹%۸۵%d۹%۸۴%d۹%۸۷%d۸%b۱-%c۲%ab%d۸%a۸%d۸%a۷%d۸%b۷%d۹%۸۴-%d۸%b۴%d۸%af%c۲%bb/>

## هر کارگر، فعال کارگری و هر آزادیخواه باید بداند که؛

سوسیالیسم تنها آلترناتیوی است؛ که باید در راهش مبارزه کرد

### مختصری راجع به سازمان

جوانان سوسیالیستی - کارگری المان

\* جوانان سوسیالیستی - کارگری المان، سازمان خودسازمانیافته ای از دانش آموزان، کارآموزان، کارگران جوان و دانشجویان دختر و پسر است که در المان زندگی می کنند، صرفنظر از ملیت و شناسنامه شان.  
\* ما برای جهانی فارغ از استثمار و راسیسم مبارزه می کنیم.  
\* ما برای جهانی مبارزه می کنیم که در آن نه کنسرن ها و رؤیسان و مدیران، بلکه انسان ها تصمیم بگیر باشند  
\* سوسیالیسم آلترناتیوی است که ما در راهش مبارزه می کنیم.  
\* از راه اصلاح مناسبات موجود نمی توان به این آلترناتیو دست یافت.  
\* برای نیل به این آلترناتیو باید با سیستم حاکم، یعنی با کاپیتالیسم قطع رابطه کرد.  
\* گسست با سیستم حاکم برای بهسازی شرایط زندگی، برای برقراری جامعه سوسیالیستی ضرورت بی چون و چرا دارد

\* ما به همین دلیل سازمان ضد کاپیتالیستی و انقلابی جوانان هستیم.

\* اگر کسی قصد تغییر چیزی را دارد، باید دست به کار شود!

\* اما اگر او به تنهایی مبارزه کند و یا به شرکت در اقدامات خود به خودی قناعت ورزد، نمی تواند به ضد طبقه حاکم کاری کارساز انجام دهد

\* طبقه حاکم دستگاه دولتی بزرگی در اختیار دارد و هر وقت خواست می تواند آن را به خدمت گیرد.

\* طبقه حاکم به خوبی سازمان یافته است

\* از این روست که ما هم باید سازمان بیابیم تا بتوانیم به عمل مشترک و متحد دست زنیم

\* ما در سراسر المان در سازمان «جوانان سوسیالیستی - کارگری المان» متحد گشته ایم، زیرا ما نه به تنهایی، بلکه

متحد با هم قصد نیل به اهداف خود را داریم/<http://eb۱۳۸۴.wordpress.com>

فرخنده باد اول ماه می روز جهانی کارگر

زنده باد همبستگی زحمتکشان و کارگران در سرتاسر جهان